

# بررسی و تحلیل ساختاری لطیفه در ادبیات کودک و نوجوان (مجموعه بگو ما هم

بخندیم، شهرام شفیعی)

علی صفایی، دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گیلان

Safayi.ali@gmail.com

فاطمه محمدی دتورسری، کارشناسی ارشد زبان و ادبیات کودک و نوجوان، دانشگاه گیلان

rose.7color@gmail.com

## چکیده

در این پژوهش، لطیفه‌های جلد دوم، سوم و چهارم از مجموعه نه جلدی "بگو ما هم بخندیم"، مورد بررسی قرار می‌گیرد. این پژوهش برآن است تا ابتدا لطیفه‌های داستان وار و معما گونه را از هم متمایز کند، سپس براساس الگوی نظری رابرت لیو که لطیفه‌ها را به دو گروه زبان شناختی و غیر زبان شناختی تقسیم می‌کند، لطیفه‌های جلد دوم، سوم و چهارم که شامل ۲۶۸ لطیفه می‌باشد، را تحلیل و بررسی کند. روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و از جدول و نمودار برای ارائه نتایج بهره می‌گیرد. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که ۹۵ درصد لطیفه‌ها روایت گونه و ۵ درصد چیستان گونه اند و بر اساس الگوی لیو ۵۹ درصد لطیفه‌ها مورد بررسی در حوزه غیرزبان شناختی هستند و ۹۰ درصد لطیفه‌های حوزه زبان شناختی نیز متعلق به لطیفه‌های مبتنی بر ابهام کاربرد شناختی می‌باشند.

واژگان کلیدی: شوخ طبعی، لطیفه، ابهام، شهرام شفیعی.

## مقدمه و طرح مسأله

شوخی طبعی از موثرترین شیوه‌های بیان هنری است که به دلیل شیرینی و جاذبه خاصی که دارد، مخاطبان بسیاری را به خود جذب می‌کند و به وسیله خنده، بر احساسات مخاطب تاثیر بیشتری گذاشته، پیام خود را بر باور وی می‌نشانند. توجه به این امر که طبع عامه خیلی زود از سخنان جدی خسته می‌شود، به ویژه علاقه خاصی که به شوخی و سرگرمی دارد، انگیزه خوبی برای شاعر یا نویسنده است که بتواند واقعیت‌های تلخ را در جامه شوخی و خنده بیان کند. شوخی طبعی انواع مختلفی دارد و آنچه که این انواع را از هم متمایز می‌کند، هدف از خندانندن است، درواقع «شوخی طبعی، آمیزه ای است از خنده، انتقاد، کنایه و مسائل غیرجدی که با کم و زیاد شدن هر یک از این عوامل، انواع شوخی طبعی شکل می‌گیرد» (زروی نصرآباد، ۱۳۷۵: ۴۴). گونه‌های شوخی طبعی عبارت اند از: هجو، هزل، طنز، کمدی، گروتسک، آبرونی، لطیفه و ... هر کدام از گونه‌های ذکر شده دارای شاخه‌ها و انواع فرعی نیز هستند که شرح همگی آن‌ها در این پژوهش نمی‌گنجد. با توجه به موضوع مورد بحث این مقاله، پس از معرفی شهرام شفیعی و مجموعه «بگو ما هم بخندیم»، ابتدا به تعریف «لطیفه» و ذکر اهمیت آن پرداخته می‌شود، سپس لطیفه‌های روایت گونه و چیستان گونه از هم متمایز می‌شوند و بر اساس نظریه رابرت لیو مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند.

شهرام شفیعی، نویسنده، طنزپرداز، مدرس ادبیات داستانی، طنز و کمدی، روزنامه نگار و ویراستار بهمن ماه ۱۳۴۹ در تهران متولد شد. وی نویسنده ده‌ها کتاب در زمینه ی داستان و طنز برای کودکان است که از جمله آن‌ها می‌توان به «جزیره بی تربیت‌ها»، «قصه‌های غرب وحشی»، «بوی جوراب را قرض نده»، «چرا کچل‌ها عاقبت بخیر

می‌شوند؟»، «داستان‌های پاشنه طلا»، «ماجراهای سلطان و آقا کوچول»، «آوازهای پینه بسته»، «آنها از آتش نمی‌ترسند» و ... اشاره کرد. او همچنین آثاری را در قالب طنز و ادبیات داستانی برای بزرگسالان قلم زده است. شفיעی در طنزهایی که محتوای بیشتر آنها مسایل سیاسی و اجتماعی اند، کژی‌ها و نارسایی‌های اجتماعی و سیاسی را با زبان طنز به سخره می‌گیرد و زیبا انتقاد می‌کند تا کژی‌های اجتماعی به راستی گرایش یابد. زبان وی رساست و از نثر زیبا و فخامت استوار ادبی برخوردار است. وی همچنین در عرصه‌های مختلف به عنوان سرویراستار ایفای نقش کرده است و تاکنون ۱۰۰ عنوان کتاب ویراستاری شده را در کارنامه اش می‌توان یافت. وی در جشنواره‌های متعدد در شورای کتاب کودک، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و ... برگزیده شده است. در جشنواره برگزیده ادبیات کودک و نوجوان، برگزیده اصلی ۲۰ سال ادبیات داستانی و همچنین کتاب "خروس سبز"، "درخت گلابی" برگزیده اصلی کتاب دفاع مقدس شده است. مجموعه نه جلدی «بگو ما هم بخندیم»، حاصل سه سال نگارش لطیفه‌ها توسط شهرام شفיעی است که از سوی انتشارات پیدایش برای مخاطب کودک عرضه شده است و مورد استقبال کودکان و نوجوانان قرار گرفته است. در این پژوهش جلد ۲، ۳ و ۴ این مجموعه که شامل ۲۶۸ لطیفه می‌باشد، ابتدا به دو گروه داستان گونه و معما گونه تقسیم می‌شود سپس بر اساس الگوی رابرت لیو مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### ۱. پیشینه پژوهش:

از پژوهش‌هایی که در آنها به بررسی اهمیت لطیفه و تحلیل آنها پرداخته شده است، می‌توان به مقاله «معرفی نظریه انگاره معنایی طنز و بررسی ایرادات آن بر مبنای داده های زبان فارسی» از شهلا شریفی و سریرا کرامتی یزدی، «بررسی طنز در حکایت‌های رساله دلگشا بر اساس الگوی رابرت لیو» از خلیل بیگ زاده و سناز خوش حساب، «جوک‌های سیاه، تعامل‌های اجتماعی و پیامدهای غیرسازنده آن» از مهرداد توکلی راد و غلامرضا غفاری و «تحلیل تماتیک جوک‌های مبادله شده در برنامه اتاق جوک» از خدیجه سفیری و زهرا شهرزاد، اشاره کرد. درباره آثار طنز شهرام شفיעی در حوزه ادبیات داستانی کودک و نوجوان پژوهش‌هایی صورت گرفته است، از جمله دو پایان نامه با عنوان‌های «مقایسه شیوه‌های طنزپردازی در آثار هوشنگ مرادی کرمانی، فرهاد حسن زاده و شهرام شفיעی» از بتول زارعی جلال آبادی و «بررسی تکنیک‌های طنز در ادبیات داستانی نوجوان دهه هشتاد» از فاطمه قاسمی پور که بخشی از آن به بررسی تکنیک‌های طنز شهرام شفיעی در سه اثر عشق خامه‌ای، ماجراهای سلطان و آقا کوچول و مجموعه قصه‌های غرب وحشی پرداخته است و مقاله ای با عنوان «شگردهای طنزآفرینی در آثار شهرام شفיעی» از زیبا علیخانی که شگردهای طنزپردازی شفיעی را در مجموعه غرب وحشی مورد بررسی قرار داده است.

اما در هیچ یک از پژوهش‌های صورت گرفته به بررسی لطیفه‌هایی که برای کودک و نوجوان تدوین شده، توجه نشده است. از این رو در این پژوهش به دلیل اهمیت ادبیات کودک و نوجوان و نقش مهم ادبیات به ویژه طنز، به بررسی لطیفه‌های جلد دوم، سوم و چهارم از مجموعه «بگو ما هم بخندیم» شهرام شفיעی پرداخته می‌شود.

#### ۲. متن اصلی:

لطیفه، یکی از انواع شوخ طبعی است که لحظات شادی را برای آدمی رقم می‌زند. گرچه سرشت لطیفه برانگیختن خنده است، اما اغلب موضوعات آن جدی بوده و ریشه در واقعیت‌های زندگی انسان‌ها دارد. در بطن هر لطیفه، نکته‌ای بطور تلویحی توسط معانی دوپهلوی و بازی‌های زبانی بیان می‌شود. لطیفه در لغت به معنی گفتاری نغز، نکته باریک، شوخی و بذله تعریف شده است ( فرهنگ معین ). لطیفه در لغت، مؤنث لطیف به معنی باریک، ریز، نیکو و نغز است و لطیفه در اصطلاح گفتاری نغز، مطلبی باریک و نیکو و نکته را گویند (داد، ۱۳۸۷: ۴۱۶).

لطیفه در اصطلاح ادبی روایت شوخ طبعانه و کوتاهی است که معمولاً به یک نتیجه گیری غیرمنتظره یا یک نکته انتقادی ختم می‌شود. جمال میرصادقی در تعریف لطیفه نوشته است: «روایت داستانی مفرح و کوتاهی است درباره شخص یا واقعه یا وضعیت و موقعیتی. بنیاد آن بر پیوند حلقه‌های واقعی و تصادفی حادثه ای استوار است؛ لطیفه از پیوستن این حلقه‌های حادثه به یکدیگر تکوین و تحقق می‌یابد و معمولاً حلقه آخری است که موجب شگفتی و خنده می‌شود» (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۲۲۰).

درباره بسیاری از عرصه‌های خصوصی و عمومی زندگی انسانی، لطیفه ساخته می‌شود. گرچه سرشت لطیفه برانگیختن خنده است، اما اغلب موضوعات آن جدی بوده و ریشه در واقعیت‌های زندگی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی انسانها دارد. لطیفه غالباً برای تفریح و سرگرمی گفته می‌شود و از نظر حجم کوتاه بوده و دارای شخصیت‌های محدود است و آنچه در آن مطرح می‌شود براساس گفتگو و تضاد شکل می‌گیرد. ارزش و اهمیت لطیفه در ادبیات کودک و نوجوان دو چندان است زیرا لطیفه، علاوه بر جنبه تفریحی و سرگرمی، دارای کارکرد آموزشی، اجتماعی و تربیتی نیز می‌باشد. لطیفه‌ها به کودکان می‌آموزند که می‌توانند از زبان به صورت کارآمدی برای رسیدن به اهداف مختلف خود استفاده کنند، از ساختار و مضمون متنوع عبارات و جملات بهره بگیرند، با اصطلاحات رایج آشنا شوند، لطیفه‌ها با تاثیری که بر روحیه و احساس مخاطب می‌گذارد، باعث می‌شود تا درک آنها از موقعیت‌ها و احساسات گوناگون بیشتر شود، نگاه متفاوت به پیرامون خود داشته باشند، که این نگاه نقادانه به جهان پیرامون سبب رشد خلاقیت و نوآوری می‌شود و این توانایی را در کودک به وجود می‌آورد که در موقعیت‌های سخت و دشوار زندگی، ایده‌ها و راهکارهای غیر معمول را بیابد و در راه رسیدن به اهداف خود به کار گیرند. در هر صورت خلق لطیفه مانند خلق هرگونه اثر هنری، به خلاقیت و ذوق سازنده آن‌ها بستگی دارد. لطیفه‌ها در عین حال که کارکردهای مثبت دارند ممکن است آثار مخربی نیز به همراه داشته باشند، لطیفه‌هایی که در لایه‌های زیرین خود نوعی برتری جویی مذهبی، قومی و جنسیتی را تایید می‌کنند، موجب از بین رفتن وحدت اجتماعی و الگوهای اخلاقی در جامعه می‌شوند، از این رو، باید توجه داشت تا ضمن به کارگیری لطیفه برای نقد در زمینه‌های مختلف در راستای رشد آگاهی‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ... و بالابردن روحیه انتقاد و خلاقیت به همراه نشاط و سرگرمی از تحقیر یا تمسخر قوم، مذهب و جنسیتی خاص پرهیز شود و عرف و اخلاق اجتماعی با لطیفه‌های حاوی خشونت و کلمات و جملات به دور از نزاکت زیر سوال نرود. بنابراین باید از منظرهای مختلف جامعه‌شناختی، روانشناختی، زبان‌شناختی و ... به تحلیل و بررسی خاستگاه لطیفه‌ها و کارکردهای آنها توجه شود. از نظر ارزش و محتوا می‌توان لطیفه‌ها را به انواع زیر تقسیم کرد:

۱- لطیفه‌های سفید یا شیرین: که با بزرگنمایی زشتی‌ها و بدی‌ها، فارغ از خندانند مخاطب، وی را آگاه می‌سازند و در مسیر درست راهنمایی میکنند. این نوع لطیفه، اغلب ملایم، مؤدبانه و با در نظر گرفتن مناسبات اخلاقی پدیدار میشود. بنابراین، حالتی مثبت‌گرا و سازنده دارد. (خشوعی، ۱۳۸۶: ۵-۷).

۲- لطیفه‌های خاکستری: این لطیفه‌ها، به نوعی شبیه به لطیفه‌های سفیدند؛ با این تفاوت که هیچ گونه نقش اصلاح‌گرایانه یا هشداردهنده ای ندارند. در واقع، نوعی شوخی بدون آزارند و برای خندانند دیگران بیان می‌شوند، این لطیفه‌ها بار معنایی و ارزش خاصی ندارند و تنها هدفشان تفریح و شادی و خنده است. (توکلی راد، غفاری، ۱۳۹۵: ۶۰۰).

۳- لطیفه‌های سیاه و تلخ: که زبان و لحن رنج آور و گزنده و تند دارند، و اغلب برای تمسخر فرد، گروه یا فرهنگ خاصی ساخته میشوند؛ بنابراین، نه تنها سازنده نیستند، بلکه مخرب‌اند. فروید این نوع از لطیفه‌ها را در قالب شوخی‌های عمدی قرار می‌دهد و با نامگذاری آن‌ها با عنوان کنیف، آنها را به سه دسته جنسی، تهاجمی و بدبینانه تقسیم که خنده آور نیز است، هدف فقط خندانند مخاطب نیست؛ بلکه آگاهانه یا ناآگاهانه، خنده به ابزاری برای ترور شخصیت، هویتها و فرهنگها مبدل میشود. (برگسون، ۱۳۷۹: ۷۲).

برخی از فلاسفه و روان‌پزشکان از جمله فروید، کانت و هربرت اسپنسر، به خنده، به عنوان وسیله ای برای تخلیه تنش اضافی هیجان ذهنی می‌نگرند. فروید بر اساس نظریه تحرک و ارضاء، لطیفه را ساز و کاری می‌داند که می‌تواند

عقده‌های سرکوفته را دوباره بیدار کند و با آزاد کردن نیروی ذهنی، مخاطب لطیفه را ارضاء کند. فروید می‌گوید: «لطیفه نوعی از ساز و کار دفاعی بخش ناخودآگاه ذهن است و اثر روانی آن، از این رو است که می‌تواند انرژی روانی سرکوفته ذهن را ارضاء کند». فروید همچنین بر این اعتقاد بود که خود (ego) آن چه را که به شکل «تابو» در ذهن سرکوب شده است با مبتذل و عامیانه کردن به شکل لطیفه دوباره آزاد می‌کند و تنش درونی فرد به طور موقت فرو می‌خواباند. از نظر فروید لطیفه از دو راه می‌تواند انرژی روانی سرکوفته را آزاد کند، یکی فشردن دو پیام متضاد در یک پیام و دیگری سرپیچی از قواعد زبانی. (اصلائی، ۱۳۸۵: ۲۰۸). نش، طنز را نوعی شیوه‌ی زندگی در کنار پرسش‌های انتقادی می‌داند، او از لطیفه و شوخی به عنوان بخشی از دانش واقعی یاد می‌کند که تقریباً در اغلب مواقع میان گوینده لطیفه و شنونده آن مشترک است. (محمودی بختیاری، آدی بیگ، ۱۳۸۸: ۱۸۱).

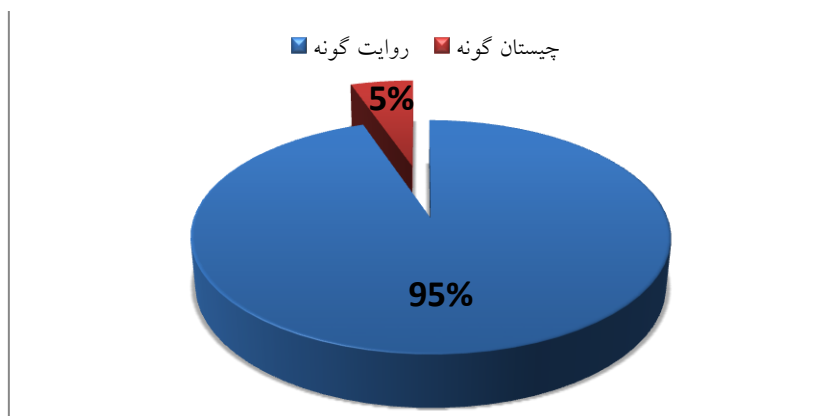
هاکت، زبان شناس آمریکایی می‌گوید: «هر لطیفه از دو بخش تشکیل شده است. اولین قسمت معرفی یا مقدمه (build up) این که در آن گوینده در یک یا چند جمله کوتاه فضا را برای ضربه وارد کردن و گفتن نکته اصلی آماده میکند. دومین قسمت لب مطلب (punch line) نام دارد که در تقابل با قسمت اول با برهم زدن منطق روزمره موجب انبساط خاطر می‌گردد.» (اصلائی، ۱۳۸۵: ۲۰۸). آتاردو ساختار لطیفه را این گونه تبیین می‌کند: «فرایند طبیعی و خطی لطیفه به واسطه عاملی غیر طبیعی که خاص لطیفه است، قطع می‌شود. این عامل که قطع کننده نام دارد و معمولاً همان لب مطلب است که متن را از یک موقعیت به موقعیت دیگر گذار می‌دهد این فرایند ابهام زدایی نام دارد.» لب مطلب که در عهده لطیفه‌های کوتاه/ جوکها، در پایان جوک می‌آید، مایع شگفتی شنونده می‌شود؛ چرا که مطلبی را بیان میکند که برخلاف انتظار اوست و از نظر راسکین لب مطلب شرط ضروری جوک است. به خواننده اطلاعات جدید می‌دهد و موقعیت متضاد پنهان در بطن متن را پیش روی خواننده قرار می‌دهد. همین اطلاعات جدید تعبیری تازه از متن ارائه می‌دهد. (حری، ۱۳۸۷: ۴۶).

لطیفه‌های نوشتاری در قیاس با لطیفه‌های گفتاری، اغلب زبانی فخیم تر دارند، معمولاً امکانات بیشتری برای بازی‌های زبانی دارند. همچنین از نظر موضوع به انواعی تقسیم می‌شوند که بعضی از آنها عبارت اند از: لطیفه‌های سیاسی، لطیفه‌های مذهبی، لطیفه‌های زبان پردازانه، لطیفه ای اجتماعی و ... ساخت لطیفه‌های فارسی یا روایت گونه است یا چیستان گونه. در لطیفه‌های روایت گونه داستان یا ماجرای مطرح می‌شود که سرگرم کننده و خنده آور است اما لطیفه‌های چیستان گونه، لطیفه‌هایی هستند که به شکل پرسش و پاسخ اند. (انوشه، ۱۳۸۱: ۱۲۱۲). در جدول زیر نوع ساخت لطیفه‌ها در هر یک از سه جلد به صورت مجزا مشخص شده است.

جدول شماره ۱ - جدول فراوانی لطیفه‌های روایت گونه و چیستان گونه

نوع ردیف	روایت گونه	چیستان گونه
جلد ۲	۹۱	۵
جلد ۳	۷۷	۶
جلد ۴	۸۶	۳

نمودار شماره ۱ - نمودار درصد فراوانی لطیفه‌های چیستان گونه و روایت گونه



### ۲.۱. الگوی رابرت لیو:

نظریه انگاره معنایی طنز، اولین نظریه کامل زبان شناسی در باب طنز به شمار می‌رود که با نگارش کتاب «مکانیسم‌های معنایی طنز» در سال ۱۹۸۵ توسط ویکتور راسکین معرفی شد. گرچه این نظریه به نام ویکتور راسکین معروف است، اما به نظر می‌آید پیش از راسکین در سال ۱۹۷۹ به پایه‌های این نظریه اشاره شده باشد. در این کتاب، راسکین بیان می‌کند که یک نظریه زبان شناختی طنز باید این حقیقت را که برخی متن‌ها خنده‌دار هستند و برخی دیگر خنده‌دار نیستند، توجیه کند و ویژگی‌های زبان شناختی خاص این متون را بررسی نماید (راسکین، ۱۹۸۵: ۸۱).

این نظریه که در واقع حرکتی اساسی در مقابل رویکرد طبقه‌بندی سنتی جناس‌ها و طنز بود که ساختار طنز را از لحاظ معنی شناسی تحلیل کرد و توانست ساختار دو قطبی لطیفه را شناسایی کند. به عقیده راسکین، یک نظریه معنایی باید شامل دو مقوله انتزاعی باشد؛ مجموع‌های از همه انگاره‌های در دسترس سخن‌گویان و مجموع‌های از قواعد ترکیب. «راسکین تعریف جدیدی از کاربردشناسی ارائه می‌کند و در نظریه‌اش جنبه معنی شناختی و کاربردشناختی را با هم ترکیب می‌کند. او اعتقاد دارد که برای یک نظریه کامل زبان شناختی طنز، در نظر گرفتن هر دو جنبه معنی شناسی و کاربردشناختی الزامی است و نظریه‌اش را بر این دو پایه استوار می‌کند. اخیراً، برخی منتقدین نظریه او در چارچوب نظریه ارتباط ادعا کرده‌اند که در نظریه طنز، نیازی به وجه معنی شناختی نیست و تنها رویکرد کاربردشناختی مبتنی بر نظریه ارتباط برای تحلیل طنز کافی است، اما تا کنون رویکردی مبتنی بر این نظر ارایه نشده است» (شریفی، کرامتی یزدی، ۱۳۸۹: ۹۲-۹۴). تحت تاثیر نظریه انگاره معنایی طنز راسکین نظریات متعددی در باب طنز مطرح شد که از آن جمله می‌توان به نظریه اصل همکاری گرایس، نظریه ارتباط اسپربر و ویلسون و نظریه تلفیقی سیمپسون که با ترکیب کاربردشناسی، سبک شناسی و تحلیل گفتمان رویکردی ترکیبی را برای تحلیل طنز معرفی می‌کند، اشاره کرد. الگوی نظری رابرت لیو نیز تحت تاثیر نظریه راسکین ارایه شد.

رابرت لیو، طنزهای کلامی را به دو بخش زبان شناختی و غیر زبان شناختی تقسیم می‌کند و معتقد است که طنزهای زبان شناختی، برخلاف گروه دوم بنا به فرآیندی که در اصول یک زبان صورت می‌گیرد، ساخته می‌شوند و بر پایه نوعی ابهام آوایی، واژگانی، نحوی یا کاربردشناختی شکل می‌گیرد، اما طنزهای غیر زبان شناختی رخدادهایی هستند که شرایط معمول محیط را برهم می‌زنند، چون وصف رخدادی در جهان خارج از حیطه‌ی زبان و واژگان هستند. چنان‌که انسان در شناخت خود از محیط پیرامون، همواره نظم و ترتیب خاصی را برای همه فرایندها و رخدادهای جهان در ذهن ذخیره کرده و انتظارات و واکنش‌های او در برخورد با همین رویدادها بر اساس همان شناخت موجود در ذهن شکل می‌گیرد. حال هنگامی که انسان در برخورد با یکی از رویدادها حس کند که آن نظم معمول و همیشگی ناگهان برهم خورده است، غافلگیر می‌شود و بازتابی متفاوت از همیشه بروز می‌دهد که خنده یکی از این واکنش‌هاست و در چنین حالتی آن بی‌نظمی را می‌توان طنز نامید (لیو، ۱۹۹۶: ۱۳). ابهام از مفاهیم کلیدی است که

رابرت لیو بر آن تاکید می‌کند. راس نیز معتقد است طنزی که از طریق ابهام پدید آمده، اغلب عوامل زیر را با خود دارد:

\_\_ کشمکش میان آنچه انتظار می‌رود و آنچه در لطیفه رخ می‌دهد، وجود دارد.  
 \_\_ کشمکش توسط ابهام در برخی سطوح زبان ایجاد می‌شود.  
 \_\_ نکته اصلی شوخی غافلگیر کننده است، به طوری که همان تفسیر مورد نظر نیست و کشمکش را حل می‌کند.  
 راس سطوح مختلف ابهام را به ۵ گروه اصلی واجی، خطی، صرفی، واژگانی و نحوی دسته بندی می‌کند. (محمودی بختیاری، ۱۳۸۸: ۱۸۳).

در یکی دیگر از رده بندی های قدیمی، ولی با نفوذ، ابهام های موجود در متن لطیفه به چهار دسته تقسیم می‌شوند. این تقسیم بندی بر اساس دیدگاه چامسکی از تمایز ژرف ساخت و روساخت زبان استوار است:  
 الف - ابهام در واژگان: که از دو یا چند معنایی بودن یک واژه منفرد ناشی می‌شود.  
 ب - ابهام در آوا: که از شباهت آوایی دو واژه متفاوت با معانی مختلف پدید می‌آید.  
 پ - ابهام در روساخت زبان: که در آن قواعد دستوری سطحی ابهام آمیزند و دو ساخت دستوری سطحی با معانی متفاوت با هم رقابت می‌کنند.

ت - ابهام در ژرفساخت زبان: در این حالت دوشاخه زایی معنایی در ساختهای زیرین دستور زبان صورت می‌گیرد و بنابراین معانی متفاوتی را به دست می‌دهد. بسیاری از جوک های رده جمله سازی بر مبنای این ابهام شکل گرفته اند. (وکیلی، ۱۳۸۵: ۱۲۳ - ۱۲۴).

لیو نیز ابهام را از مفاهیم مهم و کلیدی در خنده دار شدن متن به حساب می‌آورد و معتقد است که «در طنزهای زبان شناختی، ابهام در گستره واژگان، آواها و یا نحو یک متن به نوعی سبب تناقض می‌گردد و نتیجه تناقض و نامعمولی پیش می‌آورد که خواننده انتظارش را نمی‌کشد و همین تناقض موجود که از ابهامی در سطح زبان به وجود آمده، سبب کمیک شدن کلام می‌گردد. البته ابهام در بخش جوک‌های غیر زبان شناختی نیز سبب تناقض و غیر معمول شدن رویدادها و فرآیندهایی می‌شود که خارج از سطح زبان و در دنیای پیرامون رخ داده است. بر این اساس، به عقیده لیو، ابهام از مفاهیم مهمی است که سبب ایجاد رویدادهای متناقض و نامعمول در دو سطح زبانی و غیر زبانی می‌گردد و این نقیضه‌ها طنز را در هر دو گستره سبب می‌شوند» (لیو، ۱۹۹۶: ۲۷).

### ۲.۱.۱.۱. لطیفه‌های زبان شناختی

محوریت اصلی لطیفه‌های حوزه زبان شناختی از دیدگاه رابرت لیو بر ابهام (ambiguity) استوار است و آنچه سبب طنزآمیزی متن می‌گردد، تفاوت در خوانش‌های گوناگون ابهام آمیز متن است که در حوزه واژگانی، آوایی، نحوی و کاربردشناختی روی می‌دهد و معتقد است که گاهی وجود ابهام در یکی از این حوزه‌ها کافی است تا کلام طنزآمیز شود و گاهی هم ممکن است دو یا سه ابهام برای ایجاد طنز در کلام استفاده شود.

### ۲.۱.۱.۱. ابهام در سطح واژگان:

ابهام واژگانی زمانی روی می‌دهد که کلمات هم شکل هستند، یکسان تلفظ می‌شوند، و املاهای یکسان دارند، اما معانی متفاوتی دارند که در علم معانی به عنوان (جناس تام) معرفی می‌شود. لطیفه‌های مبتنی بر ابهام واژگانی درصد کمی از لطیفه‌های زبان شناختی مورد بررسی را تشکیل می‌دهند، که به چند مورد از آنها اشاره می‌شود:

اولی: «من می‌خواهم لاغر بشوم ... به نظرت بهترین راه چیه؟»

دومی: «بعد از ساعت دوازده شب و تعطیل شدن قنادی‌ها از هر راهی که بروی خوب است.» (شفیعی، ۱۳۹۴: ۱/۶۶).

در این مثال در مقدمه راه به معنی راهکار و توصیه و در لب مطلب راه به معنی مسیر و محل رفت و آمد نوعی ابهام ایجاد کرده است که خنده دار است.

چی می‌کشی؟

آقا ناصر از کلم پلو و خورش کدو متنفر بود. یک شب همسرش کلم پلو و خورش کدو درست کرد. بعد میز را چید و به آقا ناصر گفت: «ناصر جان چی می‌کشی؟»

آقا ناصر گفت: «می‌روم تو اتاقم دراز می‌کشم» (شفیعی، ۱۳۹۴: ۷۰/۳).

در این مثال در قسمت ابتدایی واژه کشیدن به معنی انتخاب و ریختن غذا در بشقاب است که در قسمت پایانی با پاسخ مرد، در معنا و بافت دیگری به کار رفته است که موجب طنز می‌شود.

سطح بالا

اکرم خانم گفت: «شوهر من دیروز داشت در سطح خیلی خیلی بالا حرف می‌زد.»

مهشید خانم گفت: «خودم شنیدم ... شوهر تو دیروز داشت درباره آدامس حرف می‌زد. به این می‌گویی سطح بالا؟»

- بله ... چون دیروز ما توی هواپیما بودیم. (همان: ۲۹)

حرف زدن در سطح بالا این معنا را به ذهن مخاطب می‌پروراند که درباره مسایل مهم سخن گفتن اما در پایان مخاطب متوجه می‌شود که منظور از سطح بالا، فضای بالاتر از سطح زمین بوده است و این دوگانگی در معنا خنده را بر لبان وی می‌نشانند.

تعداد لطیفه‌هایی که ابهام واژگانی داشته باشند به ندرت یافت می‌شوند و دلیل آن می‌تواند این باشد که این لطیفه‌ها برای مخاطب کودک نوشته شده است و متناسب با دایره واژگانی و فهم اوست، و چه بسا کودک نتواند جناس‌ها و مفاهیم و معانی چندگانه واژه‌ها را تشخیص دهد از این رو این لطیفه‌ها برایش جذابیت خاصی نداشته باشد. در لطیفه‌های مبتنی بر ابهام واژگانی، ابهام کاربردشناختی نیز دیده می‌شود. ممکن است در لطیفه‌های زبان شناختی، ابهام در چند سطح وجود داشته باشد، یعنی در لطیفه ای علاوه بر ابهام واژگانی ابهام نحوی و کاربردشناختی نیز دیده شود.

### ۲.۱.۱.۲. ابهام آوایی :

ابهام آوایی زمانی پدیدار می‌شود که دو خوانش از دو واژه مختلف المعنی که از نظر آوایی یکسان هستند، صورت گیرد. و تفسیر جایگزین به جای تفسیر اصلی از دو واژه با قرابت‌های یکسان، سبب خنده دار شدن متن می‌شود. مثال: به یکی میگن با مهر داد جمله بساز.

میگه: آقا میشه امتحان‌های شهریور رو تو مهر داد؟

در موارد مورد بررسی لطیفه ای مبتنی بر ابهام آوایی یافت نشد.

### ۲.۱.۱.۳. ابهام نحوی:

لطیفه‌های مبتنی بر ابهام در نحو جمله معمولاً دو خوانش دارند که از دو ارایه نحوی مخلف ریشه می‌گیرند و یک عبارت یا یک جمله با الگویی ثابت، اما با دو تفسیر نحوی حامل بیش از یک معنا می‌شود. بر اساس این تفسیرها هر یک از اجزای جمله نقش نحوی متفاوتی پیدا می‌کنند و کاربرد علایم سجاوندی متفاوت می‌شود، این نوع ابهام را ابهام سجاوندی نیز می‌نامند. (امامی، ۱۳۹۰: ۷). لایو لطیفه‌های نحوی را مطابق روشی که در آن نمایش‌ها و بازنمایی‌های نحوی متفاوت هستند به دو دسته لطیفه‌های گروه نحوی و لطیفه‌های تابع نحوی تقسیم می‌کند که لطیفه‌های دسته اول معمولاً دو قرابت متناظر از دو نمایش نحوی متفاوت هستند که ممکن است به یک تکه از متن اختصاص داده شود و در لطیفه‌های دسته دوم کوچک ترین تکه مبهم متن، یک سازنده نحوی است و دو خوانش مجزا را نشان می‌دهد (لیو، ۱۹۹۶: ۳۰).

اردک

اکبر به مامان: «مامان جان... بابا قورمه سبزی پخته بود. آنقدر بدمزه بود که من نتوانستم بخورم. آن را گذاشتم جلو اردک... خیلی ناراحت شد. حالا چجوری آشتی کنیم؟»  
 مامان: «غصه نخور پسر... اردک‌ها زود آشتی می‌کنند» (شفیعی، ۱۳۹۴: ۳/۹).  
 در مثال بالا دو نهاد را می‌توان برای گزاره (خیلی ناراحت شد) در نظر گرفت؛ بابا و اردک. این ابهام که در پایان مشخص می‌شود طنز جالبی را در کلام ایجاد کرده است. در لطیفه‌های بررسی شده، تنها یک لطیفه مبتنی بر ابهام نحوی یافت شد.

### ۲،۱،۱،۴. ابهام کاربردی:

ابهام کاربردی زمانی روی می‌دهد که دو تعبیر از قسمت مبهم متن برداشت شود و از نظر معناشناختی و کاربرد شناختی متفاوت باشند.

آبگوشت

چند جهانگرد خسته و گرسنه، بعد از چهار ساعت کوه پیمایی، به روستایی قدیمی رسیدند.  
 راهنمای جهانگردان، به دیگی که روی آتش بود، اشاره کرد و گفت: «اینجا آبگوشت بزباش می‌خوریم. حدود شش هزار سال است که آبگوشت بزباش در این محل پخته می‌شود.»  
 یکی از جهانگردها قاشقش را درآورد و گفت: «پس الان دیگر باید حاضر باشد» (شفیعی، ۱۳۹۴: ۸/۱).  
 در این مثال تفاوت ادراک و برداشت جهانگرد از سخن راهنمای جهانگردان باعث ایجاد نوعی طنز شده است.  
 ماکارونی

وقتی خانم، وارد خانه شد، این صحنه را دید: شیر حمام باز مانده بود و آب، کف خانه را گرفته بود. پرده‌های خانه در حال سوختن بود. یکی از بچه‌ها لب پنجره رفته بود و می‌خواست پایین بپرد. چند گربه سر یخچال رفته بودند. مرد خانه هم داشت با دست ماکارانی می‌حورد.

زن گفت: «واقعاً تعجب می‌کنم. تو الان داری مشت مشت ماکارانی می‌خوری؟!»  
 - خودت بودی میتوانستی در این شرایط قاشق و چنگال پیدا کنی؟ (همان: ۱۲).

در این مثال برداشت متفاوتی که مرد از پرسش زن دارد موجب پاسخی می‌شود که وضعیت طنزآمیزی را رقم زده است.  
 خبر خوب

مادر سامان به او گفت: «امروز کارنامه هایتان را می‌دهند. امیدوارم با خبرهای خوب از مدرسه برگردی»  
 وقتی سامان از مدرسه برگشت: مامان... مامان... یک خبر خوب از مدرسه دارم. ... دوباره ظرف‌های مایع دستشویی را پر کرده اند! (همان: ۴۵).

اختلاف برداشت سامان از خبر خوب سبب طنز این متن شده است.

عنکبوت

گارسون... گارسون... زود بیا اینجا... یک عنکبوت مرده توی سوپ من هست.

- خودتان را ناراحت نکنید... بالاخره همه یک روز از دنیا می‌روند! (همان: ۵۱).

اختلاف برداشت گارسون از وجود عنکبوت مرده در سوپ موجب پاسخ طنزآمیز شده است.

گم شده

شبی در یک خیابان خیلی شلوغ، بچه چهار ساله ای گم شد. سه روز بعد، یک نفر آن بچه را دید که مشغول خوردن بستنی بود.

- کوچولو... بگو ببینم تو گم شده ای؟



- فکر نمی‌کنم گم شده باشم... اگر من گم شده‌ام، پس این کسی که دارد بستنی می‌خورد، کیست؟! (همان: ۵۰).  
در بین لطیفه‌های زبان شناختی، لطیفه‌های مبتنی بر ابهام کاربردشناختی که از تفاوت در درک معنا نشات می‌گیرد، بیشتر از لطیفه‌های مبتنی بر ابهام نحوی و واژگانی و آوایی است.

## ۲.۱.۲. لطیفه‌های غیر زبان شناختی

ساختار متن در این نوع لطیفه‌ها به گونه‌ای است که هیچ‌گونه ابهامی از نظر نحوی، واژگانی، آوایی و کاربردشناختی در آنها دیده نمی‌شود. در واقع این متون با درهم ریختن آگاهانه نظم که در ورای ذهن ما از چنین روایت‌هایی وجود دارد، موجب ایجاد موقعیتی کمیک می‌شود. به اعتقاد راسکین، مخاطب لطیفه بر اساس پیشینه فرهنگی خود از تمام مظاهر فرهنگی، الگویی در ذهن دارد؛ ولی انتظار او تحقق نمی‌یابد و اتفاق دیگری می‌افتد. (اخوت، ۱۳۷۱: ۳۰). و این رخدادها دور از انتظار، روند معمول ذهنی مخاطب را بر هم می‌زند و خنده را بر لبان وی می‌نشانند. «رابرت لیو بر آن است که هیچ عامل زبان شناختی در طنز آمیز کردن متن طنزهای غیر زبان شناختی دخالت ندارند، بلکه ادراک ناگهانی تناقض آمیز مخاطب (خواننده و شنونده) از رویدادها در موقعیت‌های گوناگون چنان که هست یا باید باشد، عامل اصلی طنز این حوزه به شمار می‌رود» (بیگ زاده، خوش حساب، ۱۳۹۵: ۲۸).  
درکنار خانواده

آقایی می‌خواست با همسر و فرزندانش به رستوران برود. قبل از ورود، از مردی پرسید: «آقا شما این رستوران را می‌شناسید؟ ... به نظر شما بهتر است ما کدام غذایش را بخوریم؟»  
مرد گفت: «بله که می‌شناسم جانم ... شما با خیال راحت بروید و همراه خانواده، از این مکان زیبا، لذت ببرید. هر غذایی را هم که دلتان خواست، بخورید و کیف کنید... غذاهای این رستوران، هیچ فرقی با هم ندارد. هر کدام را بخورید، حتما و مطمئناً مسموم می‌شوید! (شفیعی، ۱۳۹۴: ۱۶/۳).  
جمله پایانی، جمله‌ای دور از انتظار است که نظم ذهنی را به هم می‌ریزد و موقعیتی کمیک به وجود می‌آورد.  
هوایما

خلبان هنوز سوار هوایما نشده بود. یک پسر سه ساله، رفت روی صندلی خلبان نشست. دکمه‌ها را زد و هوایما را به آسمان برد!  
مهماندار هوایما: «مسافران عزیز، ما خلبان نداریم. چند دقیقه دیگر سقوط می‌کنیم. یک پسر سه ساله، روی صندلی خلبان نشسته است.»  
خلبان: «بله، به کابین خلبان رفت. به پسر سه ساله گفت: «هوایمایت را میدهی بچه من هم بازی کند؟!» (همان: ۱۶).

در این مثال پرسش خانم بچه به بغل پرسشی دور از ذهن و غیر معمول است که موقعیت طنزآمیز را رقم می‌زند.  
غذا

اولی: «توی فیلم، صحنه دلخراشی دیدم. ببرها یک گورخر زنده را تکه تکه کردند و خوردند. به خاطر همین، من تا چند روز نمی‌توانم لب به غذا بزنم.»  
دومی: «ولی تو که داری چلوکباب کوبیده می‌خوری!»  
اولی: «قول می‌دهم که از فردا شروع کنم!» (همان: ۲۲).  
پاسخ نامعمول و حاضر جوابانه شخصیت اول موجب طنز شده است.  
موزه

در موزه اشیای باستانی، مردی را گرفتند که پارچ طلائی گران قیمتی را برداشته بود.  
مامور موزه گفت: «آقا این پارچ، دست شما چه کار می‌کند؟ می‌خواستید آن را بدزدید؟»  
مرد به گلدانی که روی تابلو، نقاشی شده بود اشاره کرد و گفت: «داشتم با این پارچ به این گلدان آب می‌دادم.»

- ولی این نقاشی است ... گلدان زنده نیست.

- نگران نباشید این پارچ هم آب ندارد! (شفیعی، ۱۳۹۴: ۳۸/۲).

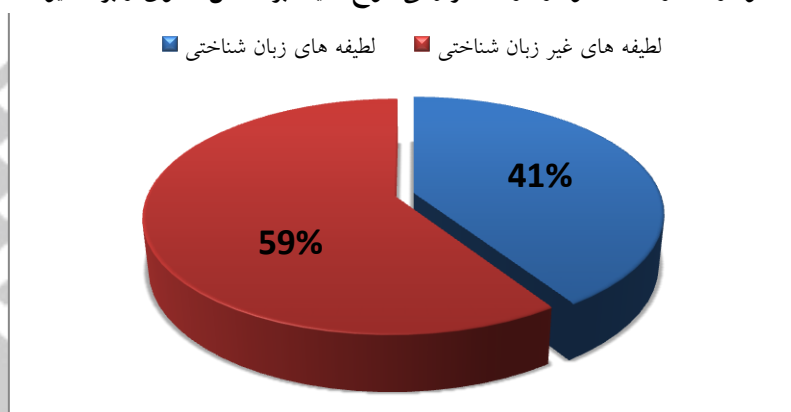
جواب نامعمول و دور از انتظار مرد به مامور موزه، موجب طنز و خنده می‌شود.

کودکان در سنین پایین تر لطیفه‌هایی که بر طنز موقعیت استوارند را جذاب تر می‌دانند و هر چه بر سن کودک افزوده می‌شود، لطیفه‌های مبتنی بر بازی‌های زبانی و ابهام‌ها را بیشتر می‌پسندند.

جدول شماره ۲ - جدول فراوانی لطیفه‌های زبان شناختی و غیر زبان شناختی بر اساس الگوی رابرت لیو

ردیف	لطیفه‌های زبان شناختی	لطیفه‌های غیر زبان شناختی	فراوانی
جلد دوم	۳۸	۵۸	۹۶
جلد سوم	۲۹	۵۴	۸۳
جلد چهارم	۴۲	۴۷	۸۹

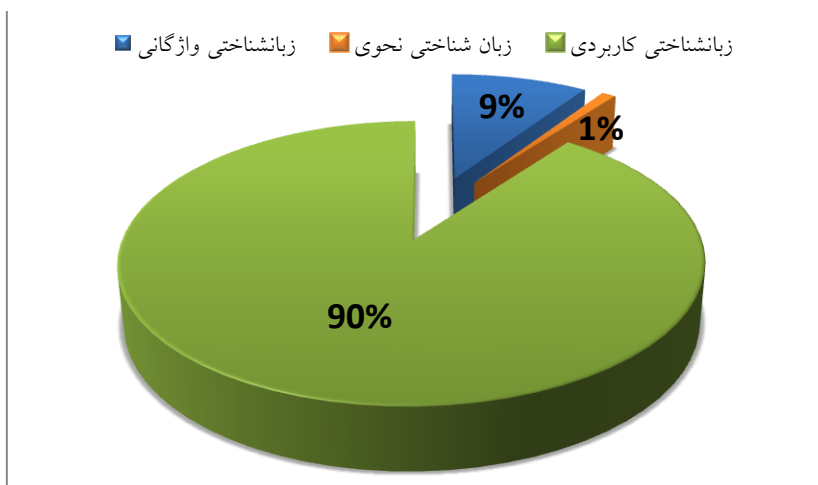
نمودار شماره ۲ - نمودار درصد فراوانی انواع لطیفه بر اساس الگوی رابرت لیو



جدول شماره ۳ - جدول فراوانی انواع لطیفه‌های زبان شناختی

ردیف	فراوانی	زبان‌شناختی آوایی	زبان‌شناختی واژگانی	زبان شناختی نحوی	زبان‌شناختی کاربردی
جلد دوم	۳۸	-	۳	-	۳۵
جلد سوم	۲۹	-	۱	۱	۲۶
جلد چهارم	۴۲	-	۶	-	۳۶

نمودار شماره ۳ - نمودار درصد فراوانی انواع لطیفه‌های زبان شناختی



### ۳. نتیجه گیری:

شهرام شفيعی از نویسندگان موفق است که در سال‌های اخیر آثار طنز متعددی را برای کودکان و نوجوانان نگاشته است. موفقیت او را می‌توان در گرو شناخت و درک درست وی از علایق و نیازها و اقتضائات سنی مخاطبانش دانست. او با انتخاب مفاهیم و موضوعاتی که از دل اتفاقات روزمره و جهان پیرامونش نشأت می‌گیرند و با زبان و بیانی شیرین و متناسب با محدوده شناختی مخاطب، دست به آفرینش لطیفه‌هایی زده است که ضمن نشاط بخشی و سرگرمی برای مخاطب، به او می‌آموزند که از دریچه دیگری به جهان پیرامونش بنگرد تا خلاقیت و نوآوری وی شکوفا شود و از زبان طنز برای بیان انتقادات خود استفاده کند. تعداد لطیفه‌های غیرزبان شناختی در جلد دوم، سوم و چهارم مجموعه «بگو ما هم بخندیم» بیشتر است، چرا که مخاطبان کودک چه بسا با ابهام‌های موجود در لطیفه‌های زبان شناختی آشنایی نداشته باشند اما تناقض و موقعیت‌های دور از ذهنی که در لطیفه‌های غیرزبان شناختی وجود دارد، جذابیت بیشتری برای آن‌ها دارد. هرچه سن کودک بیشتر می‌شود، لطیفه‌هایی که بر بازی‌های واژگانی استوار هستند و ابهامات بیشتری دارند برای او خنده دارتر هستند. کودکان در سنین پایین، طنزهای فیزیکی و لطیفه‌هایی که بر طنز موقعیت استوارند را بیشتر دوست دارند و در سنین بالاتر به دلیل آشنایی و درک بهتر واژه‌ها از بازیهای زبانی و لطیفه‌هایی که مبتنی بر ابهام، ابهام و جناس هستند، لذت بیشتری می‌برند.

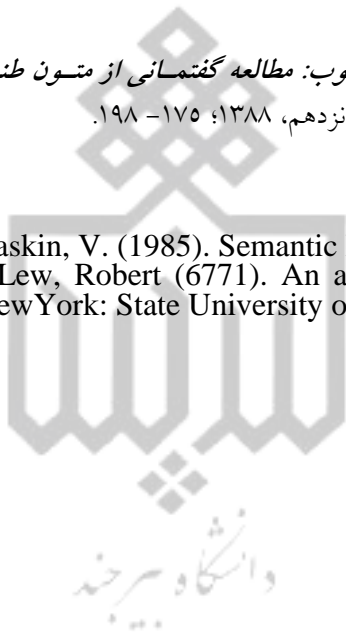
بر اساس الگوی لیو که لطیفه‌ها را به دو گروه زبان شناختی و غیر زبان شناختی تقسیم می‌کند و در لطیفه‌های زبان شناختی به وجود ابهام در چهار سطح آوایی، واژگانی، نحوی و کاربردی تاکید می‌کند، لطیفه‌های مورد نظر تحلیل شدند و از مجموع ۲۸۶ لطیفه، ۱۵۹ لطیفه در حوزه غیر زبان شناختی و ۱۰۹ لطیفه در حوزه زبان شناختی جای می‌گیرند. ۹۰ درصد لطیفه‌های زبان شناختی، لطیفه‌های مبتنی بر ابهام کاربردی را شامل می‌شوند. تعداد لطیفه‌های واژگانی و نحوی نیز انگشت شمارند، در حوزه ابهام آوایی نیز لطیفه‌ای مشاهده نشد. در این پژوهش، به دلیل بررسی ابهام‌های موجود در لطیفه‌های زبان شناختی، لطیفه‌های غیر زبان شناختی آن چنان که باید، مورد توجه قرار نگرفت، لطیفه‌های غیر زبان شناختی این مجموعه را می‌توان بر اساس نظریه اصول همکاری گرایس مورد تحلیل قرار داد.

### منابع

- اخوت، احمد؛ *نشانه شناسی مطایبه*؛ اصفهان: فردا، ۱۳۷۱.
- اخوت، احمد؛ «*لطیفه‌ها از کجا می‌آیند؟*»؛ ماهنامه ادبی پروین، مهر، شماره هشتم، ۱۳۸۱؛ ۷.
- اصلائی، محمدرضا؛ *فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز*؛ تهران: کاروان، ۱۳۸۵.
- انوشه، حسن؛ *دانشنامه ادب فارسی*؛ تهران: سازمان انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱.
- برگسون، هانری لویی؛ *خنده*؛ ترجمه عباس میرباقری؛ تهران: شبانویز، ۱۳۷۹.

- بیگ زاده، خلیل؛ خوش حساب، ساناز؛ «بررسی طنز در حکایت‌های رساله دلگشا بر اساس الگوی رابرت لیو»؛ زبان و ادب فارسی، سال ۶۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۵؛ ۱۷-۳۲.
- توکلی راد، مهرداد؛ غفاری، غلامرضا؛ «جوک‌های سیاه، تعامل‌های اجتماعی و پیامدهای غیرسازنده آن»؛ مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۵، شماره ۴، ۱۳۹۵؛ ۵۹۳-۶۱۵.
- حری، ابوالفضل؛ در باره طنز؛ تهران: سوره مهر، ۱۳۸۷.
- خشوعی، مهدیه سادات؛ روانشناسی شوخ طبعی؛ تهران: کنکاش، ۱۳۸۶.
- داد، سیماء؛ فرهنگ اصطلاحات ادبی؛ تهران: مروارید، ۱۳۸۷.
- زرویی نصرآبادی، ابوالفضل؛ حدیث قند؛ تهران: انتشارات نیستان، ۱۳۹۳.
- شریفی، زهرا؛ کرامتی یزدی، سریرا؛ «معرفی نظریه نگاه معنایی طنز و بررسی ایرادات آن بر مبنای داده‌های زبان فارسی»؛ پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی، دوره ۱، شماره ۲، ۱۳۸۵؛ ۸۹-۱۰۹.
- شریفی، زهرا؛ کرامتی یزدی، سریرا؛ (۱۳۸۸)، «بررسی طنز منشور در برخی از مطبوعات رسمی طنز کشور بر اساس نظریه عمومی طنز کلامی»؛ زبان و ادب پارسی، شماره ۴۲، ۱۳۸۸؛ ۱۱۹-۱۳۱.
- شفیعی، شهرام؛ بگو ما هم بخندیم ۲؛ چاپ چهارم، تهران: انتشارات پیدایش، ۱۳۹۴.
- شفیعی، شهرام؛ بگو ما هم بخندیم ۳؛ چاپ دوم، تهران: انتشارات پیدایش، ۱۳۹۴.
- شفیعی، شهرام؛ بگو ما هم بخندیم ۴؛ چاپ دوم، تهران: انتشارات پیدایش، ۱۳۹۴.
- محمودی بختیاری، بهروز؛ آدی بیگ، آرزو؛ (۱۳۸۸)، «تلفن همراه به عنوان رسانه مکتوب: مطالعه گفتمانی از متون طنز پیام کوتاه فارسی»؛ فصلنامه علمی پژوهشی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»، شماره پانزدهم، ۱۳۸۸؛ ۱۷۵-۱۹۸.
- میرصادقی، جمال؛ عناصر داستان؛ چاپ سوم، تهران: سخن، ۱۳۷۶.
- وکیلی، شروین؛ جامعه شناسی جوک و خنده، تهران: اندیشه سرا، ۱۳۸۵.

Raskin, V. (1985). *Semantic Mechanisms of Humor*. Dordrecht, the Netherlands: D. Reidel.  
- Lew, Robert (6771). *An ambiguity-based theory of the linguistic verbal joke in English*. New York: State University of New York



انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی